

# مسئله‌های واقعی

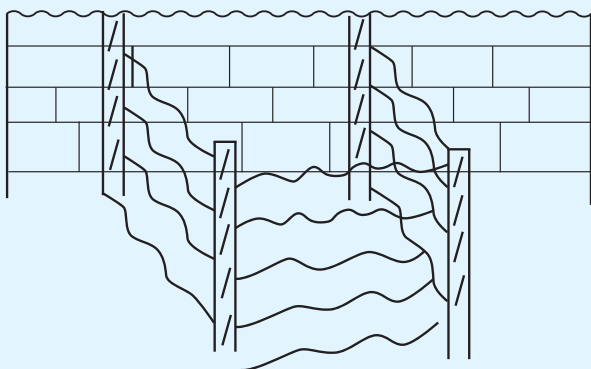
اعظم پورپروین

**کلیدواژه‌ها:** مسئله‌های واقعی، سرعت، مساحت.

تابلویی در کنار جاده نصب شده است که فاصله‌ی ما تا کاشان را نشان می‌دهد. من هم ساعت دارم. سرعت را محاسبه می‌کنم. «بعد از چند دقیقه صالحه گفت که ۵ کیلومتر را در ۲ دقیقه و ۴۰ ثانیه طی کرده‌ایم و توانست سرعت ماشین را حساب کند.

## مسئله‌ی ۳ نویسنده: آقای حبیبی

من در روستا به دنیا آمده‌ام. اما حالا سال‌هاست که در شهر زندگی می‌کنم. همیشه دلم می‌خواست به یاد کودکی‌هایم در خانه مرغ و خروس داشته باشم، اما زندگی در آپارتمان این امکان را به من نمی‌داد. چندی پیش توانستم یک خانه‌ی کوچک حیاطدار بخرم و با خانواده‌ام در این خانه زندگی کنم. روزی تصمیم گرفتم که در کنار حیاط این خانه یک حصار برای نگهداری مرغ و خروس درست کنم. ۱۰ متر حصار خریدم تا در کنار یکی از دیوارهای حیاط سه دیوار بسازم و یک چهار دیواری مستطیل شکل برای مرغ و خروس‌ها آماده کنم.

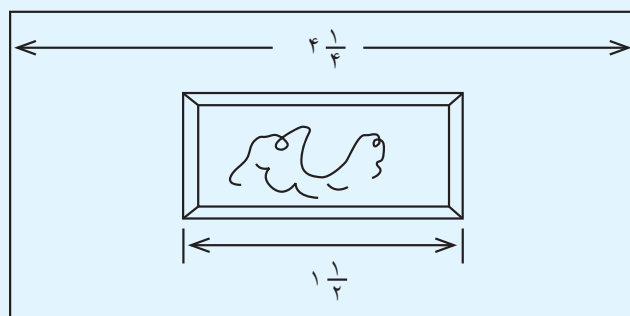


مسئله این بود که نمی‌دانستم طول و عرض لانه‌ی مرغ و خروس‌ها را چه قدر باید در نظر بگیرم تا بتوانم با ۱۰ متر حصاری که داشتم بیش‌ترین مساحت ممکن را به دست آورم. پسرم حامد که دانش‌آموز دوم راهنمایی است، این مسئله را حل کرد.

در این ستون قصد داریم مسئله‌های واقعی طرح کنیم؛ مسئله‌هایی که این طرف و آن طرف شنیده‌ایم و دیده‌ایم که چگونه دانش‌آموزان راهنمایی توانسته‌اند با اطلاعات و مهارت‌های ریاضی خود، آن‌ها را حل کنند. شما هم مسئله‌های واقعی را که با آن‌ها مواجه شده‌اید یا در اطراف خود دیده‌اید، برای مجله بفرستید تا با نام خودتان در این ستون طرح شوند. در ضمن، می‌توانید مسئله‌های طرح‌شده در این شماره را هم حل کنید و راه‌حل‌هایتان را برای مجله بفرستید.

## مسئله‌ی ۱ نویسنده: شیرین حجازی

مادرم یک تابلو فرش زیبا خریده بود و می‌خواست آن را وسط دیوار اتاق پذیرایی نصب کند. او می‌خواست تابلو دقیقاً وسط دیوار قرار بگیرد و از من خواست تا فاصله‌ی تابلو تا هر طرف دیوار را پیدا کنم. من این مسئله را با اندازه‌گیری طول تابلو و طول دیوار، حل کردم.



## مسئله‌ی ۲ نویسنده: آقای صادقی

هنگام سفر به کاشان سرعت سنج ماشینم خراب شده بود. دخترم صالحه که دانش‌آموز اول راهنمایی است در صندلی عقب ماشین نشسته بود. از او پرسیدم، آیا می‌توانی سرعت حرکتان را محاسبه کنی؟ او نگاهی به کنار جاده کرد و گفت: «هر ۵ کیلومتر

#### مسئله ۴

ماهان می‌خواست برای دوچرخه‌اش، زنگ و کلاه ایمنی بخرد. بسته‌های زیر با قیمت‌هایشان در فروشگاه دیده می‌شد. ماهان می‌خواست بداند برای یک قفل، یک زنگ و یک کلاه ایمنی روی هم چه قدر باید پرداخت کند. او که در کلاس سوم راهنمایی درس می‌خواند توانست این مسئله را حل کند.

۴۴۰۰ تومان

۵۳۰۰ تومان

۳۳۰۰ تومان



#### مسئله ۶

پدر سینا از مشتریان دائمی یک کفش‌فروشی است. به همین جهت، این کفش‌فروشی در روز تولد پدر سینا یک کارت تخفیف ۴۰ درصدی برای او فرستاد. پدر همراه سینا برای خرید به کفش‌فروشی رفتند و متوجه شدند که هم‌زمان در این کفش‌فروشی همه‌ی کفش‌ها با ۱۵٪ تخفیف برای همه فروخته می‌شود. پدر از سینا پرسید فکر می‌کنی بهتر است اول ۱۵٪ خریدمان را بگیریم و بعد کارت تخفیف ۴۰ درصدی را نشان بدهیم و از قیمتی که باید پرداخت کنیم، ۴۰ درصد کم کنیم یا این‌که اول ۴۰٪ تخفیف بگیریم و بعد ۱۵ درصد؟ سینا کمی فکر کرد و پاسخ سؤال پدر را داد. آیا شما هم می‌توانید سؤال پدر سینا را پاسخ دهید؟

#### مسئله ۵

پس از یک مهمانی از یک جعبه شکلات ۷۲ تایی فقط ۲۵ شکلات زیر باقی‌مانده بود.

مادر تینا روی جعبه شکلات را خواند؛ روی آن نوشته بود «تعداد شکلات قهوه‌ای در این بسته دو برابر شکلات‌های شیشه‌ای است.» او پرسید: «تینا

فکر می‌کنی مهمان‌ها بیش‌تر شکلات شیری دوست داشته‌اند یا قهوه‌ای؟» تینا با توجه به همه‌ی اطلاعات، سؤال مادر را پاسخ داد. شما هم می‌توانید سؤال مادر تینا را پاسخ دهید؟

